

# مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی  
شماره ۷۳. زمستان ۱۴۰۲

Urban management  
No.73 Winter 2024

۸۹-۱۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

## نقد شهرسازی و معماری ایران<sup>۱</sup> از دیدگاه سفرنامه‌نویسان سده‌های دهم تا دوازدهم هجری

نجمه صنمی: دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

محسن طبسی\*: دانشیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

وحید احمدی: استادیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

### چکیده

دوره صفوی، یکی از ادوار مهم فرهنگی و اجتماعی و از نقاط عطف تاریخ معماری ایران است. موقعیت ممتاز و جاذبه‌های اقتصادی ایران در آن روزگار سبب شد تا جهانگردان بسیاری به ایران آیند که سفرنامه‌هایشان، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ شهرسازی و معماری، می‌روند. کمبود اسناد و منابع مکتوب در باب شهرسازی و معماری، ضرورت مطالعه و تأمل در سفرنامه‌ها را دوچندان می‌کند. هدف تحقیق، بر نقد شهرسازی و معماری ایران در دوره صفوی از منظر سفرنامه‌نویسان اروپایی تمرکز دارد و در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است که از دیدگاه جهانگردان اروپایی، چه انتقاداتی بر شهرها و بناهای ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری وارد شده است؟ و از انتقادات وارد، کدامیک قابل اعتنا و کدامها، فاقد اعتبار هستند. تحقیق حاضر، یک تحقیق کیفی است که به شیوه تفسیری- تاریخی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که گزاره‌های انتقادی استخراج شده از متن سفرنامه‌ها، مواردی همچون سیمای شهر، نظم کوچه‌ها، پاکیزگی معابر، مخروبه بودن بناهای، عدم توجه به تعمیر و نگهداری، عدم وجود مبلمان داخلی، هزینه‌های ساخت‌وساز و مواردی دیگر را در برمی‌گیرند. از نظر اعتبار گزاره‌ها، عبارات عینی که به دفعات تکرار شده‌اند، گزاره‌ای قابل اعتبار هستند اما از آنجا که عبارات ذهنی به شنیده‌ها، باورها، تفسیرها و تحلیل‌های نویسنده اتکا دارند لذا در بررسی اعتبار علمی آن‌ها باید ملاحظاتی همچون هدف سفر و مأموریت نویسنده، مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک انتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه را نیز در نظر گرفت.

وازگان کلیدی: نقد، شهرسازی، معماری، سفرنامه، دوره صفوی.

### Criticism of Iran's Urban Planning and Architecture from the Viewpoint of Travel Writers from the 10<sup>th</sup> to the 12<sup>th</sup> Centuries

#### Abstract

The Safavid period is one of the most important cultural and social periods in the history of Iranian architecture. Iran's location and economic attractions at that time caused many travelers to come to Iran, whose travelogues are considered one of the most important documents of Iranian architecture. The purpose of the research focuses on the critique of Iran's urban planning and architecture in the Safavid period from the viewpoint of European travel writers. It seeks to find an answer to these questions, what criticisms were made of the cities and buildings of Iran in the 10th to 12th centuries of Hijri? And which ones are valid? The research is qualitative research that was conducted in an interpretative-historical way. The results of the research show that the critical propositions extracted from the text of the travelogues include things such as the appearance of the city, the order and the cleanliness of the alleys, the deterioration of the buildings, maintenance, interior furniture, construction costs, and other issues. In terms of the validity of statements, objective statements that have been repeated many times are valid. Subjective statements rely on the author's hearsay, beliefs, interpretations, and analyses. For scientific validity of subjective statements, researchers should also pay attention to the purpose and mission of the author, the main audience of the travelogue, the author's inability to understand the beliefs of Iranians, the political goals and racial, ethnic, and religious prejudices of the author of the travelogue.

**Keywords:** Criticism, Urban Planning, Architecture, Travelogue, Safavid Period.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است که با عنوان «تدوین مدل مفهومی معماری دوره صفوی بر اساس سفرنامه‌های سده‌های دهم تا دوازدهم هجری» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد در حال انجام است.

\* نویسنده مسؤول: mohsentabassi48@gmail.com و tabassi\_mohsen@yahoo.com و mohsentabasi@mshdiau.ac.ir

تجربه زیباشناسانه جهانگردان، توجه به مؤلفه‌های کالبدی، عملکردنی و ادراکی- معنایی به خوبی دیده می‌شود. مواردی همچون حیرت، تحسین، تفکر و منطق، نظم و هماهنگی، جذابیت و توجه به تزئینات از موارد مشترکی است که جهانگردان در مورد نمونه‌های موردمطالعه به آن اذعان داشته‌اند.

نیلی پور و نژاد ابراهیمی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان عناصر سیمایی شهر تفلیس بر اساس توصیف سیاحان در دوران قاجار، با روش تحلیل محتوای کیفی، به مطالعه یازده عنوان سفرنامه پرداخته‌اند. مهم‌ترین نتایج تحقیق نشان می‌دهند که تفلیس در آن روزگار از چهار محله اصلی، شامل محله روس‌ها، محله، محله آلمانی‌ها و محله گرجی‌ها تشکیل شده بود که در محله روس‌ها و قسمت اروپایی‌نشین شهر تفلیس، راه‌های مناسب و طولانی وجود داشته است.

خلخالی و کلهر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان بازشناسی روح معماری ایرانی بر اساس گونه‌شناسی رفتاری/ ایرانیان عصر ناصری از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی، با روش توصیفی- تحلیلی و با هدف آشنایی با روح معماری معاصر به مطالعه اغلب سفرنامه‌های آن دوران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که روح معماری، همان مؤلفه‌های ارزشی، فرهنگی و اخلاقی رفتار آدمی است و لذا معماری عصر ناصری، بازتاب عینی رفتار دولتمردان و مردمانی است که ساختار فرهنگی عصر مذکور را شکل داده‌اند.

ورمکانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان جست‌وجوی مفهوم خانه/ ایرانی با تکیه بر انطباق توصیفات تاریخی و ساختار کالبدی، با دو رویکرد کمی و کیفی و با ترکیبی از روش‌های تحلیلی- توصیفی و تاریخی- تفسیری به مطالعه خانه‌های یزد و اصفهان پرداخته است. محقق بخش اعظم مطالعات تاریخی تحقیق را بر اساس توصیفات تاریخی سفرنامه‌ها نوشته است. اهم نتایج تحقیق نشان می‌دهند که مؤلفه‌های خانه ایرانی در خانه‌های یزد و اصفهان، دارای اولویت‌های متفاوتی هستند.

حقیر و صلواتی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در واخر دوره قاجار، با روش تفسیری- تاریخی به مطالعه ۲۱ عنوان سفرنامه دوره قاجار متاخر (تا ۱۳۳۹ دق) پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که مدرنیته ایرانی (که با مدرنیته غربی متفاوت است) با توجه به مسایل و دغدغه‌های درونی و بومی خود، به برخی دستاوردهای مدرنیته در معماری و شهرسازی توجه بیشتری نشان داده است و بدین ترتیب، با توجه به ملزمات و نیازهای بومی، تفسیری اینجاگی و گزینشی از مدرنیزاسیون ارائه داده است.

## ۱. مقدمه

دوره صفوی را می‌توان و باید یکی از ادوار مهم تاریخ ایران، به‌ویژه تاریخ فرهنگی و اجتماعی و نقطه‌عطی در تاریخ معماری این سرزمین دانست. به همین سبب، عمدۀ منابع تاریخی بر جای‌مانده از دوره صفوی، ارزش و اهمیت ویژه‌ای در شناخت معماری ایران دارد. از سویی دیگر، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و جاذبه‌های اقتصادی ایران در روزگار صفوی سبب شد تا جهانگردان بسیاری با مقاصد گوناگون، به ایران آیند که اغلب ایشان پس از بازگشت، به نگارش خاطرات سفر پرداختند و بدین ترتیب، منابع ارزشمندی برای مطالعه آیندگان بر جای نهادند.

سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی که در سال‌های اخیر مورد اقبال پژوهشگران بوده‌اند، یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ معماری ایران تلقی توانند شد. سفرنامه‌ها به‌طور عام و فارغ از موضوع آن یا اغراض نویسنده، غالباً حاوی اطلاعات نسبتاً دقیقی از شهرسازی و معماری ایران هستند. از این منظر، سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری که تقریباً مصادف با برآمدن و افول دوره صفوی است، به‌واسطه این که این دوره، سرآغاز ارتباط با دنیای غرب و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانیان بوده است، اهمیت ویژه‌ای دارند. اهمیت این دسته از منابع و نیز کمبود استناد و منابع مکتوب در باب تاریخ شهرسازی، معماری به‌طور عام، ضرورت مطالعه و تأمل در سفرنامه‌ها را دوچندان می‌کند.

هدف اصلی این تحقیق بر نقد شهرسازی و معماری ایران در دوره صفوی از منظر سفرنامه‌نویسان اروپایی تمرکز دارد و در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است که از دیدگاه جهانگردان اروپایی، چه انتقاداتی بر شهرها و بنای‌های ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری وارد شده است؟ و از انتقادات وارد، کدامیک قابل اعتنا و کدامها، فاقد اعتبار هستند. برای یافتن پاسخ، با رویکردی کیفی و شیوه تفسیری- تاریخی، تعداد ۲۵ عنوان سفرنامه در گستره تاریخی تحقیق، موردمطالعه قرار گرفته و نقدهای نویسنده‌گان درباره شهرها و معماری ایران استخراج، دسته‌بندی و تفسیر شده‌اند.

## ۲. پیشینه تحقیق

اغلب مقالات در حوزه پژوهش حاضر، به مطالعه سفرنامه‌ها از منظر شهرسازی پرداخته و محدود مقالاتی به معماری توجه داشته‌اند. امامی کوپائی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی زیبایی معماری از نگاه جهانگردان عصر صفوی در پنج بنای شاخص اصفهان در آن روزگار پرداخته است. روش تحقیق وی، تحلیل محتوا است و نتایج حاکی از آن است که در

تعريف و تمجید از عظمت و شکوه معماری ایران، اقبال بیشتری داشته‌اند.

### ۳. روش تحقیق

با توجه به این که در تحقیق تفسیری، جستجوی پدیده‌های کالبدی به صورت روایی و کل‌نگرانه انجام می‌شود (ونگ، ۱۳۸۳: ۶۸) لذا روش برگزیده در این تحقیق، دارای پارادایم کیفی است و به شیوه تفسیری- تاریخی انجام شده است. گرداوری داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی صورت پذیرفته است. از بین سفرنامه‌های متعدد نگاشته شده در گستره زمانی تحقیق (سده ۱۰ تا ۱۲ ه.ق.) ابتدا ۲۵ عنوان سفرنامه با توجه به معیارهای زیر برگزیده شدند.

- سفرنامه‌های برگزیده، حتماً ترجمه و چاپ شده باشند.
- نسخه‌ای از سفرنامه‌های برگزیده (چاپی یا الکترونیکی) در دسترس پژوهشگر باشد.
- سفرنامه‌های برگزیده دارای مطالبی در باب شهرسازی و معماری باشند.
- سفرنامه‌های برگزیده، پوشش و انطباق کامل با گستره زمانی تحقیق داشته باشند. (جدول ۱)

اعطا و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان جستاری روایت شناسانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها (نمونه موردي باغهای تهران در دوره قاجار)، به بررسی متون تاریخی و سفرنامه‌های متعدد دوره قاجار پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مقاله، دیدگاه سفرنامه‌نویسان پیرامون مفهوم باغ را می‌توان در سه صورت روایت باغهای اقامتی، باغهای حکومتی و باغهای تفریجگاهی دسته‌بندی کرد.

عسگری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان خوانش ساختار معنایی و کالبدی حريم اماكن مقدس با استناد به سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری، به مطالعه سفرنامه‌ها با هدف تبیین مفهوم حريم پیرامون اماكن مقدس پرداخته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که حرمت‌گذاری و حريم‌گذاری در دو بعد کالبدی و فراکالبدی باید مورد توجه قرار گیرد. ابی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله بازخوانی ساختار شهر اردبیل در دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولثاریوس و مطالعه تطبیقی نقشه‌های دیگر، به بازآفرینی ساختار شهر اردبیل در دوره صفوی، بر اساس عناصر شهری پرداخته‌اند ثوابت و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی، به تصویر ارایه شده از شهرهای ایران در سفرنامه‌های عهد ناصری پرداخته و معتقدند که شهر ایرانی در عصر ناصری با تحولات فضایی- کالبدی و محتوایی همراه شده است که تحولات کالبدی آن، درون‌مایه تجدد غرب را به همراه داشته و عناصر محتوایی آن متأثر از مکتب تهران بوده است.

فارسیان و قاسمی آریان (۱۳۹۷) در مقاله بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی، به این نتیجه رسیده‌اند که روایت نویسنده، موضوعاتی متنوع و از جمله شهرسازی و معماری را تصویرسازی کرده و تقابل میان خود اروپایی و دیگری شرقی را نمایان می‌سازد. حسینی زاده مهرجردی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان بازخوانی عناصر هویت‌بخش معماری و شهرسازی یزد در سفرنامه ابراهیم جکسون، با روشنی توصیفی- تحلیلی به مطالعه سفرنامه جکسون پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ایران در عهد قاجار در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت داشته است.

جمع‌بندی مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که شیوه مناسب برای این تحقیق، شیوه تفسیری- تاریخی است که بر تحلیل محتوای متن استوار است. همچنین در تحقیقاتی انجام شده، کمتر به نقدی که جهانگردان بر معماری و شهرسازی ایران وارد کرده‌اند توجه شده و عموم پژوهشگران، به توصیف‌های سفرنامه‌نویسان مبنی بر

جدول ۱. فهرست مهم‌ترین سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.

ردیف	عنوان کتاب	نام نویسنده	شغل / قصد از سفر	ملیت	سال سفر یا نگارش کتاب
۱	بیان منازل	نصوح مطراقچی (۱۴۸۰-۱۵۶۴) Nasuh Matrakci	ریاضی‌دان، نویسنده و مورخ	بوسنه	۹۴۰ ق.م. ۹۱۲ ش.م. / ۱۵۳۳ م.
۲	مرآت الممالک	سیدی علی رئیس (کاتبی) (۱۴۶۳-۱۵۶۳)	دریاسالار و ادیب	عثمانی	۹۶۴ ق.م. ۹۳۵ ش.م. / ۱۵۵۶ م.
۳	سفرنامه برادران شرلی	- آنتونی شرلی (۱۶۳۵-۱۵۶۵) Anthony Shirley - رابرت شرلی (۱۶۲۸-۱۵۸۱) Robert Shirley	جهانگرد	انگلیس	۱۰۰۸ م. ۹۷۸ ش.م. / ۱۵۹۹ م.
۴	ایتر پرسیکوم	ژرژ تکتاندر فن در یابل (۱۶۱۴-؟) م. George Tectander Vander Iabel	سفیر و دیپلمات	آلمان	۱۰۱۳ م. ۹۸۳ ش.م. / ۱۶۰۵ م.
۵	سفرنامه فیگوئرو	دن گارسیا سیلووا فیگوئرو (۱۵۵۰-۱۶۲۴) Garcia de Silva Figueroa	سفیر و دیپلمات	اسپانیا	۹۷۶-۱۰۰۶ م. ۹۹۹ ق.م. / ۱۵۹۸-۱۶۲۱ ش.م. / ۱۰۳۰ م.
۶	سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)	پیترو دلاواله (۱۵۸۶-۱۶۵۲) م. Pietro Della Valle	نوسنده، خاورشناس و جهانگرد	ایتالیا	۱۰۲۵ م. ۹۹۵ ش.م. / ۱۶۱۷ م.
۷	سفرنامه کاف	فدت آفاناس یویچ کاتف	بازرگان	روسیه	۱۰۳۲ م. ۱۰۰۱ ش.م. / ۱۶۲۳ م.
۸	سفرنامه توماس هربرت و گزارش رابرت استودارت	تماس هربرت (۱۶۰۶-۱۶۸۲) م. Thomas Herbert	دیپلمات	انگلیس	۱۰۳۶ م. ۱۰۰۵ ش.م. / ۱۶۲۷ م.
۹	سفرنامه استودارت	رابرت استودارت (۱۶۲۸-۱۰۰۶) م. Robert Stodart	دیپلمات	انگلیس	۱۰۳۷ م. ۱۰۰۶ ش.م. / ۱۶۲۸ م.
۱۰	اولین سفرای ایران و هلند	یان اسمیت (۱۶۰۶-۱۶۸۲) م. Ian Smith	دیپلمات	هلند	۱۰۳۷ م. ۱۰۰۶ ش.م. / ۱۶۲۸ م.
۱۱	سیاحت‌نامه اولیا چلبی	اولیا چلبی (۱۶۱۱-۱۶۸۲) م. Evliya Celebi	کاشف و جهانگرد	عثمانی	۱۰۵۰ م. ۱۰۱۹ ش.م. / ۱۶۴۰ م.
۱۲	سفرنامه تاورنیه	ژان باتیست تاورنیه (۱۶۰۵-۱۶۸۹) م. Jean Baptiste Tavernier	بازرگان و جهانگرد	فرانسه	۱۰۱۰-۱۰۴۱ م. ۱۰۷۸ ش.م. / ۱۶۳۲-۱۶۶۸ م.
۱۳	سفرنامه آدام الثاریوس (بخش ایران)	آدام الثاریوس (۱۶۰۳-۱۶۷۱) م. Adam Olearius	ریاضی‌دان و جغرافی‌دان	آلمان	۱۰۶۴ م. ۱۰۳۲ ش.م. / ۱۶۵۴ م.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی  
مدیریت شهری و روستایی  
شماره ۷۳. زمستان ۱۴۰۲

Urban management  
No.73 Winter 2024

ردیف	عنوان کتاب	نام نویسنده	شغل / قصد از سفر	ملیت	سال سفر یا نگارش کتاب
۱۴	سیاحت‌نامه شاردن	ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳) Jean Chardin	جواهرفروش و جهانگرد	فرانسه	۱۰۸۷-۱۰۵۵ ق.م. ۱۰۷۴-۱۰۴۲ م.ش. ۱۶۷۷-۱۶۶۴ م.
۱۵	زیبایی‌های ایران	- آندره دولیه دلاند (۱۶۲۱-۱۷۱۵ م.)	جهانگرد و نویسنده	فرانسه	۱۰۷۵ م. ۱۶۶۴-۱۰۴۲ ق.م. ۱۰۷۵
۱۶	سفرنامه آبه کاره ایران	- بارتلمی آبه کاره (۱۶۴۰-۱۷۰۰ م.) Barthelemy Abbe Carre	جهانگرد و کارگزار	فرانسه	۱۰۸۵-۱۰۵۲ ق.م. ۱۰۸۳-۱۰۵۰ م.ش. ۱۶۷۴-۱۶۵۰ م.
۱۷	سفرنامه سانسون	نیکلا سانسون Nicola Sanson	کشیش و مبلغ مذهبی	فرانسه	۱۰۹۴ م. ۱۶۸۳-۱۰۶۱ ق.م. ۱۰۶۱-۱۰۹۴ م.ش. ۱۶۸۳ م.
۱۸	سفرنامه کمپفر	- انگلبرت کمپفر (۱۶۵۱-۱۷۱۶ م.) Engelbert Kaempfer	پژوهش و طبیعی‌دان	آلمان	۱۰۹۶-۱۰۶۳ ق.م. ۱۰۹۴-۱۰۶۱ م.ش. ۱۶۸۵-۱۶۵۰ م.
۱۹	گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی	گرگوریو پربرا فیدالگو Gregorio Pereira Fidalgo	سفیر و دیپلمات	پرتغال	۱۱۰۸ م. ۱۶۹۷-۱۰۷۵ ق.م. ۱۰۷۵-۱۱۰۸ م.ش. ۱۶۹۷ م.
۲۰	سفرنامه کارری	جووانی فرانچسکو جملی کارری (۱۶۵۱-۱۷۲۵ م.) Giovanni Francesco Gemelli Careri	جهانگرد و نویسنده	ایتالیا	۱۱۰۹ م. ۱۶۹۸-۱۰۷۶ ق.م. ۱۰۷۶-۱۱۰۹ م.ش. ۱۶۹۸ م.
۲۱	سفیر زیبا	ماری کلود پتی	دیپلمات	فرانسه	۱۱۱۷ م. ۱۷۰۶-۱۰۸۴ ق.م. ۱۰۸۴-۱۱۱۷ م.ش. ۱۷۰۶ م.
۲۲	سفرنامه کروسینسکی	تادیوزیدار کروسینسکی (۱۷۵۶-۱۷۶۵ م.) Tadeusz Jude Krusinski	کشیش و مبلغ مذهبی	لهستان	۱۱۳۷-۱۱۱۹ ق.م. ۱۱۱۹-۱۱۰۳ ق.م. ۱۱۰۳-۱۰۸۵ م.ش. ۱۷۲۵-۱۷۰۷ م.
۲۳	سفرات‌نامه‌های ایران	جمعی از سفرای عثمانی	سفیر و دیپلمات	عثمانی	از سلطان حسین تا فتحعلی‌شاه
۲۴	سفرنامه زان اوتر (عصر نادر شاه)	زان اوتر (۱۷۰۷-۱۷۰۸ م.) Jean Otter	متترجم، سفرنامه‌نویس و نقاش	فرانسه	۱۱۴۸ م. ۱۷۳۶ هش. ۱۱۱۴-۱۱۱۹ ق.م. ۱۱۱۴-۱۱۰۵ م.
۲۵	سفرنامه کارستن نیبور	- کارستن نیبور (۱۷۳۳-۱۸۱۵ م.) Carsten Niebuhr	جهانگرد، نقشه‌نگار و ریاضی‌دان	آلمان	۱۱۷۸ م. ۱۷۶۵-۱۱۴۳ ق.م. ۱۱۴۳-۱۱۷۸ م.ش. ۱۷۶۵ م.

در ادامه تحقیق، تعداد ۲۵ نسخه چاپی یا الکترونیکی از سفرنامه‌ها فراهم آمده و مورد مطالعه قرار گرفتند. از بین ۲۵ عنوان سفرنامه مذکور فقط تعداد ۱۱ عنوان سفرنامه، نگاه انتقادی به موضوعات گوناگون معماری داشته که مورد مطالعه دقیق و یادداشت‌برداری قرار گرفته‌اند. این سفرنامه‌ها به ترتیب تاریخ عبارت‌اند از سفرنامه برادران شرلی، ایترپرسیکوم، سفرنامه فیگوئرو، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، سفرنامه کاتف، سفرنامه تاورنیه، سفرنامه آدام الناریوس (بخش ایران)، سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان)، سفرنامه سانسون، سفرنامه کمپفر و سفرنامه کارری.

- برادران شرلی: برادران شرلی (آنتونی و رابرت) در زمان شاه عباس اول صفوی (حدود سال ۱۰۰۷ ق.) و با

ه.ق) به ایران آمد و اطلاعات نسبتاً جامعی درباره عادات، رسوم، افکار و عقاید مردمان؛ طرز حکومت؛ وضع و تقسیمات اداری و مشاغل درباری؛ وضع بودجه؛ اوضاع قشون؛ اعياد، مراسم ازدواج و مرگ و سوگواری های ملی و مذهبی؛ وضع آموزش و پرورش و... را در سفرنامه اش گرد آورد.

**آدام الثاریوس:** الثاریوس، پژوهشگر، ریاضی دان، چغرا فی دان و دبیر سفیر دوک هولشتاین (فریدریک سوم) در دربار شاه صفی بود. وی در سال ۱۶۳۶ م. به ایران رسید و پس از مدتی اقامت در شمالی، اردبیل، سلطانیه و قزوین در ۱۶۳۷ م. به اصفهان آمد و به دربار راه یافت. الثاریوس، درباره دیده هایش از ایران دو کتاب نگاشته است. کتاب های او آگاهی های ارزشمندی از روزگار ایران پس از پادشاهی شاه عباس اول بر جای گذاشت و به دلیل اهمیت آن ها، بلافاصله به فرانسوی و انگلیسی نیز ترجمه شدند. الثاریوس به زبان فارسی چیرگی داشت و به یاری دستیاران ایرانی خود، گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه کرده است.

**ژان شاردن:** شاردن، بازرگان و جهانگرد فرانسوی، دو بار به ایران سفر کرد. نخستین بار بین سال های ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ و دیگر بار بین سال های ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ میلادی. بنا به گفته خودش، بیشتر زمان مسافرتش، یعنی حدود ده سال را در ایران سپری کرد. او پس از مراجعت از ایران، در انگلستان سکونت گزید و ذکر دقیق مشاهدات خود را به رشته تحریر درآورد و بدین ترتیب اثر ارزشمند، مهم و مفصلی از اوضاع دوران صفوی بر جای نهاد. کتاب سفرنامه شاردن بارها توسط مترجمان مختلف، به فارسی ترجمه شده و با عنوانی مختلف به چاپ رسیده است.

**نیکلا سانسون:** از زندگی سانسون، اطلاعات چندانی در دست نیست جز این که یک مبلغ مذهبی مسیحی بوده که در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی برای ترویج دین مسیحیت به ایران آمده است. وی بعدها زبان فارسی را فراگرفت و سال های متمادی در ایران باقی ماند و درنتیجه، با بسیاری از ویژگی های دربار و حکومت ایران و آداب و رسوم ایرانیان آشنایی پیدا کرد. وی، بنا به گفته خودش، آنچه به چشم خویش دیده به رشته تحریر درآورده است.

**انگلبرت کمپفر:** کمپفر، پزشک و جهانگرد آلمانی بود که در ۱۱۰۳ ه.ق هم زمان با حکومت شاه سلیمان صفوی، به ایران آمد و طی چهار سال زندگی در ایران، مشاهدات خود را درباره وضع شهرها و آداب و رسوم مردم و وضع دربار و صفات شاه در سفرنامه اش گرد آورد. ترجمه فارسی سفرنامه وی، پیشتر با نام در دربار

اهداف سیاسی به ایران آمدند. تلاش این دو برادر برای تحریک کشورهای اروپایی به همdestی با ایران در جنگ با عثمانی بی نتیجه ماند. سفرنامه این دو برادر، مشاهدات آنان از اوضاع و احوال ایران، وضع راهها و اخلاق و عادات ایرانیان را شرح می دهد.

**ژرژ تکتاندر فن در یابل:** ژرژ تکتاندر فن در یابل،

- منشی مخصوص سفير امپراتور آلمان در دربار صفوی بود که پس از مرگ سفیر، مأموریت وی را پیگیری کرد. کتاب ایتر پرسیکوم، گزارشی است از سفر به ایران که به امپراتور آلمان تسلیم شده است.

**گارسیا د سیلووا فیگوئروا:** فیگوئروا، سفير اسپانیا در دربار شاه عباس اول صفوی بود. وی در مأموریت خود اقدامات سیاسی مهمی از جمله پیمان اتحاد سه قدرت ایران، پرتعال و اسپانیا در مقابل امپراتوری عثمانی را به انجام رساند. کتاب سفرنامه فیگوئروا در واقع، رساله ای سیاسی و تاریخی است که در آن بسیاری از حوادث سیاسی و رخدادهای مشرق زمین ذکر شده و بنا بر نظر اغلب مورخان ایرانی و خارجی، از معتبرترین منابع، بهویژه در رابطه با شاه عباس اول به شمار می آید.

**پیترو دلاواله:** دلاواله، جهانگرد ایتالیایی، با مقاصد سیاسی در سال ۱۰۲۰ ه.ق به دربار شاه عباس اول آمد.

سفرنامه وی، مشتمل بر نامه های متعددی است که در هر کدام، وقایع مشاهده شده، همچون آداب و رسوم و مسایل دربار شاه عباس و شرح جنگ های او با عثمانی را با دقت تمام توصیف کرده است. دلاواله در سفر به ایران، دو هدف عمده را تعقیب می کرد. نخست، حضور و مشارکت در لشکر کشی علیه ترکان عثمانی و گرفتن انتقام جنایت هایی است که ترکان عثمانی

- در حق هم کیشان مسیحی او روا داشتند و دیگری، فراهم کردن امکان مهاجرت مسیحیان ساکن عثمانی به ایران.

**فدت آفاناس یویچ کاتف:** کاتف، بازرگان روسی، شرح مشاهدات خود از ایران دوره صفوی را به رشته تحریر درآورده است. این سفرنامه، یکی از سفرنامه های کم حجم اما دقیق و صحیح بر جای مانده از دوره صفوی به شمار می رود. کاتف آنچه از خطرهای راه، شیوه زندگی، خصوصیات اخلاقی، تجارت و صنعت مردم ایران را به چشم دیده، به قلم آورده و درنهایت، زندگی مردم اصفهان (پایتخت) را به دقت توصیف کرده است.

**ژان باطیست تاورنیه:** تاورنیه، جهانگرد فرانسوی بین سال های ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ م. شش بار به مشرق زمین سفر کرد، که در این مسافت ها بیش از نه بار از ایران دیدن کرد. او در اوج قدرت حکومت صفوی (۱۰۵۲)

شاہنشاہ ایران، به چاپ رسیده است.

- جملی کاروی: کاروی، یک جهانگرد ایتالیایی بود که در سال ۱۱۰۵ هـ، در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمد. سفرنامه وی، شرح مشاهده او از اوضاع شهرهای ایران و بیان آداب و سنت مردم و توصیف برخی از دهکده‌های مسیر است.

#### ۴. مبانی نظری تحقیق

۱- ۴. سفر و سفرنامه نویسی: سفر در لغت یعنی بیرون شدن از شهر خود و به محلی دیگر رفت. خداوند متعال در قرآن کریم، در آیات متعددی از جمله در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء و آیه ۶۹ سوره مبارکه نمل، بر اهمیت و ضرورت سفر تأکید فرموده است. سفر در اسلام با هجرت تاریخ‌ساز پیامبر اکرم (ص) آغاز شد و از ایشان نقل است که طلبُ العلم فَرِيقَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ همچنین أطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصِّينِ. بر اساس همین حدیث شریف، «طلب علم فریضه است؛ و طلب باید کردن، اگر خود به چین و ماجیان باید رفتن» (عین القضاط، بی‌تا: ۶۴-۶۵).

امام محمد غزالی، بر اساس آموزه‌های دینی و نیازهای مسلمانان، سفر را بر پنج قسم می‌داند: سفر در طلب علم، سفر برای عبادت، سفر برای فرار از اسبابی که به حال دین مضر است، سفر برای تجارت و طلب دنیا و سفر تماساً و تفرج (غزالی، ۳۵۸-۳۶۱؛ به اختصار).

چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، اهمیت و ارزش بررسی و مطالعه تحلیلی سفرنامه‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مکتوب درباره تاریخ ایران زمین، ضرورتی انکارناپذیر است. از سویی دیگر باید اشاره کرد که به طور کلی، سفرها با اهداف گوناگونی از جمله اهداف مذهبی، سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری، نظامی و ماجراجویانه صورت می‌گرفته‌اند. لذا در بررسی سفرنامه‌ها باید توجه داشت که به دلایل متعددی، از جمله اهداف و اغراض سیاسی، برداشت‌های ناصواب، عدم آگاهی به بنیان اندیشه و فرهنگ، عدم تسلط به ظرافت‌های زبان فارسی و دیگر دلایل، تصویر ترسیم‌شده توسط سفرنامه‌نویسان، بعضًا با واقعیات موجود جامعه در آن روزگاران، مطابقت تام و تمام ندارد.

۲- ۴. نقد: نقد را در لغت، جدا کردن خوب و سره از بد و ناسره دانسته‌اند (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه نقد). نقد در اصطلاح، به بررسی و ارزیابی هر فعل یا اثری همچون کتاب، فیلم، موسیقی و ... اطلاق می‌شود. جان دیوی، فیلسوف پرآگماتیست قرن بیستم، تفکر انتقادی را تفكیر تأملی یا تفکر عمیق می‌داند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «بررسی فعل، پایدار و دقیق یک باور یا صورتی مفروض از دانش در پرتو زمینه‌های پشتیبان و نتایج بعدی آن»

## دریست‌شری

فصلنامه علمی پژوهشی  
مدیریت شهری و روستایی  
شماره ۷۳. ۰۲. زمستان ۱۴۰۲

Urban management  
No.73 Winter 2024

غرض از فعال بودن، این است که ایده‌ها و اطلاعات از کس دیگری گرفته نشده و پردازش منفعل، نشده باشد. در عرض، فرد باید خود بیندیشد، پرسش مطرح کند و به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد. منظور از پایداری و دقیق بودن هم این است که بدون فکر کردن درباره چیزی به نتیجه‌گیری ناگهانی پرداخته نشود. مهم‌ترین نکته در تعریف دیوی، زمینه‌هایی است که از باور موردنظر پشتیبانی می‌کند. در واقع، آنچه دیوی می‌مهم می‌داند، دلایلی است که برای باورهای مان داریم و نتایجی است که این باورها به دنبال دارند (Ibid: 5).

با ورود انسان به دنیای مدرن، مفهوم تفکر انتقادی سبب تسريع در گستاخ از جهان سنتی شد. ریشه‌های تفکر انتقادی را باید در سده‌های ۱۶ و ۱۷ اروپا جستجو کرد، یعنی همان روزگاری که ایرانیان همچنان به آداب و تفکر سنتی خود پای بند بودند و جهانگردانی که به ایران می‌آمدند در اثر آشنازی با تفکر انتقادی، در پی نقد هر فعل و اثری بودند.

تفکر انتقادی بر ارزش‌های همچون منطق، روشن‌اندیشی، بداهت و کشف تناقض استوار است. پژوهشگران برای اندیشه انتقادی، دو گونه برشمرده‌اند: یکی خودخواهانه یا سفسطه‌ای، که فرد سعی می‌کند با استفاده از قدرت تحلیل خود به منافع شخصی برسد؛ و دیگری درست‌بینی یا بی‌طرفی، که در آن فرد سعی می‌کند تمام جوانب امر را به صورت یکسان و بدون ارجحیت دادن به دلایل احساسی و منفعت‌طلبانه ببیند (Paul and Elder, 2002: 11). هر دو نوع تفکر انتقادی را در سفرنامه‌ها می‌توان به‌وضوح تشخیص داد.

۳- ۴. دوره صفوی: پادشاهی صفوی، از سال ۹۰۷ هـ (۱۵۰۱ م.) توسط شاه اسماعیل اول و بر مبنای ایدئولوژی شیعه در تبریز بنیان گذاری شد. اگرچه آغاز این دوره کاملاً مشخص است اما در بین تاریخ‌نویسان بر سر پایان این دوره اتفاق نظر نیست. گروه عمداتی از مورخان، تسخیر اصفهان به دست افغانه در ۱۱۳۵ هـ (۱۷۲۲ م.) را پایان سلسله صفوی می‌دانند درحالی که برخی دیگر، به درستی معتقدند که پایان این سلسله را باید با اتمام پادشاهی شاه اسماعیل سوم، توسط کریم خان زند در ۱۱۸۷ هـ (۱۷۷۴ م.) یکی دانست. بر حسب ثبات سیاسی، در هر دوره‌ای از این سلسله، جهانگردانی به ایران سفر کرده‌اند. (جدول ۲)

جدول ۲. سلسله صفوی و جهانگردان هر دوره به تفکیک پادشاهی.

جهانگردان	مدت حکومت		پادشاه	دوره
	میلادی	هجری قمری		
---	۱۵۰۱ - ۱۵۲۴	۹۰۷ - ۹۳۰	شاه اسماعیل یکم	دوره اول: بنیان‌گذاری
نصوح مطراقچی ۹۴۰ هـ سیدی علی رئیس (کاتبی) ۹۶۴ هـ فقیر ۹۶۵ هـ	۱۵۲۴ - ۱۵۷۶	۹۳۰ - ۹۸۴	شاه تهماسب یکم	
---	۱۵۷۶ - ۱۵۷۷	۹۸۴ - ۹۸۵	شاه اسماعیل دوم	
---	۱۵۷۷ - ۱۵۸۷	۹۸۵ - ۹۹۵	شاه سلطان محمد	دوره دوم: تثبیت
برادران شری ۱۰۰۸ هـ فن در بابل ۱۰۱۳ هـ فیگوروا ۱۰۰۶ هـ پیترو دلاواله ۱۰۲۵ هـ كاف ۱۰۳۲ هـ هربرت و استودارت ۱۰۳۶ هـ	۱۵۸۷ - ۱۶۲۹	۹۹۶ - ۱۰۳۸	شاه عباس اول (کبیر)	
ولیا چلبی ۱۰۵۰ هـ تاورنیه ۱۰۴۱ هـ	۱۶۲۹ - ۱۶۴۲	۱۰۳۸ - ۱۰۵۲	شاه صفی یکم	
الثاریوس ۱۰۶۴ هـ شاردن ۱۰۷۴ هـ دلاند ۱۰۷۵ هـ	۱۶۴۲ - ۱۶۶۶	۱۰۵۲ - ۱۰۷۷	شاه عباس دوم	
آبه کاره ۱۰۸۳ هـ سانسون ۱۰۹۴ هـ کمپفر ۱۰۹۴ هـ	۱۶۶۶ - ۱۶۹۴	۱۰۷۷ - ۱۱۰۵	شاه سلیمان یکم (صفی دوم)	دوره سوم: اوج
فیدالگو ۱۱۰۸ هـ کاری ۱۱۰۹ هـ ماری کلود پتی ۱۱۱۷ هـ کروسینسکی ۱۱۱۹ هـ	۱۶۹۴ - ۱۷۲۲	۱۱۰۵ - ۱۱۳۵	شاه سلطان حسین	
حمله افغان‌ها در ۱۱۳۵ هـ (۱۷۲۲ م.)				
---	۱۷۲۲ - ۱۷۳۲	۱۱۳۵ - ۱۱۴۵	شاه تهماسب دوم	دوره پنجم: بقا
ژان اوتر ۱۱۴۸ هـ	۱۷۳۲ - ۱۷۳۶	۱۱۴۵ - ۱۱۴۸	شاه عباس سوم	
دوره افشاریه ۱۱۴۸ - ۱۱۶۳ هـ (۱۷۹۶ - ۱۷۳۶ م.)				
	۱۷۴۹ - ۱۷۵۰	۱۱۶۳	شاه سلیمان دوم	
دوره زندیه ۱۲۰۹ - ۱۷۵۱ هـ (۱۷۹۴ - ۱۱۷۹ م.)				
کارستن نیبور ۱۱۷۸ هـ	۱۷۵۰ - ۱۷۷۴	۱۱۶۳ - ۱۱۸۷	شاه اسماعیل سوم	

## مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی  
مدیریت شهری و روستایی  
شماره ۷۳. زمستان ۱۴۰۲

Urban management  
No. 73 Winter 2024

## ۵. یافته‌های پژوهش

از ۲۵ عنوان سفرنامه در گستره تاریخی تحقیق، مطالبی هم‌سو با پرسش تحقیق استخراج و به شرح دسته‌بندی شده‌اند.

### ۱-۵. شهرهای ایران

۱-۱. سیمای شهری: مهم‌ترین صفتی که اغلب سفرنامه‌نویسان برای شهرهای ایران برشموده‌اند، نازیابی است. عدم توجه به سیمای شهری، یکی از موضوعاتی است که در نگاه اول و حتی پیش از رسیدن به شهر، به چشم جهانگردان می‌آمده و چون با انتظارات ایشان همخوانی نداشته است از آن تعجب می‌کرده‌اند. این امر در مورد شهر اصفهان، به عنوان پایتخت بیشتر موردنظر بوده است. (جدول ۳)

جدول ۳. توصیف شهرهای ایران بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.

متن قرائت‌شده	گزاره‌های استخراج شده
کوچه‌ها عاری از هرگونه زیبایی و خانه‌ها بدقواره بودند. به طوری که این شهر [شیراز] که دورنمایی زیبا و شکوهمند داشت، همچون بیشتر شهرهای مشرق زمین، از نزدیک بسیار حقیر و بی‌مقدار می‌نمود (فیگوئرو، ۱۳۶۳: ۱۳۱).	کوچه‌های نازیبا خانه‌های بدقواره شهر حقیر و بی‌مقدار
در اینجا نیز گروهی زن را با چادرهای سفید بر بامها و پنجره‌های بسیار تنگ خانه‌ها که حصیر یا کرکره‌های بدساخت داشتند مشاهده کردیم (فیگوئرو، ۱۳۶۳: ۱۳۱).	پنجره‌های تنگ کرکره‌های بدساخت
اصفهان پایتخت شاهنشاهی ایران است. شهری است بزرگ و زیبا با دیوارهای زشت و شبیه به حصارهای کلی اطراف باغ‌ها (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۲).	دیوار [حصار] های زشت
خانه‌ها ای اصفهان از بیرون زیبا نیست ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۷).	خانه‌های نازیبا
از گزارشی که از نوشه چند سیاح درباره اصفهان به من داده‌اند که اصفهان را شهری بسیار زیبا توصیف کرده‌اند من نمی‌توانم تصویر کنم که چه چیز زیبایی توانسته‌اند مشاهده کنند زیرا به استثنای میدان بزرگی که مقابل قصر شاه است و خیابان طویلی که به جلفا می‌رود بقیه اصفهان چیز دیدنی ندارد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸ و ۳۹).	شهر نازیبا
شهر [اصفهان] بدنما است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۴).	شهر بدنما
اصفهان به طور کلی به‌جز میدان شاه و چند بازار ... بیشتر به دهکده‌ای شبیه است تا به شهر (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸).	شهر شبیه به دهکده
کوچه‌ها به‌جای آن که به خط مستقیم باشند به‌طور مارپیچ ادامه می‌یابند و خانه‌ای از خانه دیگر پیشتر می‌رود و این به چشم کاملاً نامطبوع است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸).	کوچه‌های نازیبا
اما شهر [شیراز] هیچ زیبا نیست و بیشتر چون نیمه‌خرابهای به نظر می‌رسد ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۴).	شهر نازیبا شهر نیمه‌خرابه
کوچک‌ترین خانه شهر پالرمو به‌مراتب از خانه‌های گلی و تنگ و تاریک این شهر [اصفهان] بهتر و زیباتر است (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).	خانه‌های نازیبا
این دروازه‌ها خیلی کوچک و به حدی بدريختاند که هیچ شباهتی به دروازه شهر بزرگ یا پایتختی چون اصفهان ندارند (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳).	دوازه‌های کوچک و بدريخت

به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی نازیابی سیمای شهرها، عدم توجه حکومت به مسئولیت‌های خود در قبال مدیریت شهرها بوده است. رسیدگی به معابر و سیمای شهری اساساً از وظایف مدیریت شهر است که در آن روزگار، بخشی از حاکمیت تلقی می‌شده است؛ اگرچه هیچ‌یک از سفرنامه‌نویسان، ذکری از نقش حاکمیت به میان نیاورده باشد.

علت دوم را شاید بتوان توجه عموم مردم به داخل خانه دانست. ایرانیان عموماً بنا به برخی باورهای عرفی و دینی، از جمله اجتناب از فخرروشی و رعایت حال همسایگان، به داخل خانه بیش از نمای خارجی آن توجه داشته‌اند. اولتاریوس به نقاشی‌های داخل خانه‌ها اشاره کرده است (الثاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴) که خانه‌های برجای مانده از آن روزگار نیز مؤید آن هستند. شاردن نیز صراحتاً بیان می‌کند: «... [ایرانیان] داخل اتاق‌هایشان باشکوه و زیبا و فرح‌بخش و دل‌آسا» است (شاردن، ۱۳۳۰: ۱۲۴).

دلاواله اما مفصل‌تر به موضوع تزیینات داخلی خانه‌ها و کاخ‌ها پرداخته است: «زیبایی این خانه بیشتر ناشی از آن است که تمام دیوارها، از صدر تا ذیل، تذهیب و با مینیاتورهای بسیار ظریف و الوان، منقش شده است و در بین طلاکاری‌ها و رنگ‌های مختلف در بعضی نقاط روی دیوار کنده‌کاری‌هایی شده که واقعاً زیبایی خاصی دارد؛ مضافاً به اینکه دیوارها نمی‌دانم از گچ مخصوص یا چه ماده دیگری به وجود آمده‌اند که علاوه بر یکپارچگی و صافی، درخشش و جلای خاصی دارند و گویی از حریر سفیدند و روی آن‌ها نه تنها خطوط سیاه کنده‌کاری، بلکه برق طلایی و رنگ لا جوردی و رنگ‌های تنند دیگری که به کار رفته، فوق العاده جلب نظر می‌کند. طرح‌ها زیاد هنرمندانه نیست ولی پرخرج و پرکار است. سقف‌ها نیز مزین به طلاکاری و نقش‌ونگار مختلف و گچ‌کاری و فرورفتگی و برآمدگی‌هایی است که با سلیقه خاص و غیرمأموس به وجود آمده و سطح هریک از سقف‌ها به قسمت‌های مختلفی تقسیم شده که تزیینات هر یک با دیگری متفاوت است و در حقیقت به اندازه‌ای سقف‌ها زیباست که باید از طرف ما ایتالیایی‌ها مورد تقلید قرار گیرد. بعضی پنجره‌ها نیز واقعاً شایسته تقلید است...» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۵-۴۴).

برخی اعتقادات و باورهای مذهبی ایرانیان نیز در نازیبایی سیمای شهرها و عدم وجود ساختمان‌های مرتفع، همچون اروپا، بی‌تأثیر نبوده است. تاورینه در سفرنامه خود چنین نوشته است که: «ایرانیان اگر بخواهند، به خوبی می‌توانند شیشه‌های بلورین شفاف بسازند اما ... آن‌ها را به گونه‌ای می‌سازند که زنان در اندرون خانه از پشت آن‌ها دیده نشوند.» (تاورینه، ۱۳۸۲: ۳۷ و ۱۳۴۸: ۳۸).

سانسون معتقد است: «ترکان عثمانی، ملاهای خود را ... وادر می‌کنند بر روی این مناره‌ها برونده و اذان پگویند ... ولی ایرانیان در زیر این مناره‌ها، ملاها را به اذان گفتن و می‌دارند زیرا می‌ترسند اگر ملاها بر مناره‌ها بالا روند، زن‌هایشان را در منازل و باغ‌های اطراف مناره تماشا کنند.» (سانسون، ۱۳۴۶: ۷۰). این موضوع بعدها توسعه کمپفر نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «... اما اصفهانی‌های حسود فقط اجازه می‌دهند که مؤذنین تا بام مسجد بالا روند و استدلال‌شان این است که در غیر این صورت، ممکن است چشم آن‌ها به زنان و عورت همسایگان بیفتد.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۹).

**۱-۱-۲. کوچه‌ها و معابر:** سفرنامه‌نویسان کوچه‌ها و معابر ایران را با صفاتی همچون نازیبا، پیچ‌درپیچ، تنگ، ناصاف، کج و معوج، نامساوی، بسیار تاریک، بدون سنگ‌فرش، مارپیچ، کشیف و غرق در کثافت توصیف کرده‌اند. این توصیف‌ها را می‌توان در دو دسته کلی به شرح زیر تقسیم کرد.

**الف. نظم:** آنچه از بی‌نظمی کوچه‌ها از لحاظ کالبدی مورد نقد جهانگردان قرار گرفته، در جدول ۴ خلاصه شده است.

جدول ۴. توصیف کوچه‌ها و معابر ایران از منظر نظم، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.

گزاره‌های استخراج شده	متن قرائتشده
کوچه پیچ‌درپیچ	[شیراز] پس از ... گذشتن از کوچه‌های پیچ‌درپیچ ... به میدانی ... رسیدیم (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۳۱).
کوچه تنگ	... ورد به شهر [اصفهان] را آغاز کردیم و از کوچه‌هایی تنگ ... گذشتمیم (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۱۴).
کوچه تنگ، ناصاف، کج و معوج	[اصفهان] کوچه‌ها چنان تنگ و ناصاف و کج و معوج هستند که ... (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۱۱).
کوچه تنگ، نامساوی، تاریک	[اصفهان] کوچه‌ها تنگ و نامساوی و اغلب بسیار تاریک هستند به طوری که ... کورمال کورمال باید قدم برداشت (تاورینه، ۱۳۸۲: ۴۴).
کوچه بدون سنگ‌فرش	کوچه‌های اصفهان مانند همه شهرهای ایران بدون سنگ‌فرش است (تاورینه، ۱۳۸۲: ۴۵).
کوچه مارپیچ	کوچه‌ها به جای آن که به خط مستقیم باشند به طور مارپیچ ادامه می‌یابند ... (تاورینه، ۱۳۸۲: ۴۸).
کوچه بدون سنگ‌فرش	کف گذرگاه‌های شهر [اقزوین] کوبیده و سنگ‌فرش نشده است ... (الثاربوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴).
کوچه تنگ، کج و معوج، کوچه بدون سنگ‌فرش	... در صورتی که کوچه‌های سایر بلاد ایران، تنگ و کشیف و کج و معوج و بدون سنگ‌فرش است (شاردن، ۱۳۳۰: ۴). کوچه بدون سنگ‌فرش
کوچه مسقف، کوچه گود	کوچه‌های اصفهان سه عیب مهم قابل توجه دارد. اول آن که کوچه‌ها اغلب مسقف و یا گود است ... (شاردن، ۱۳۳۰: ۵).
کوچه بدون سنگ‌فرش	شهر [اصفهان] بر دشت یکنواختی قرار دارد ... کف آن را سنگ‌فرش نکرده‌اند ... (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۱).
کوچه بدون سنگ‌فرش	در تمام ایران، یک کوچه یا خیابان سنگ‌فرش وجود ندارد ... (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).
کوچه تنگ، کوچه تاریک	کوچه‌های اصفهان، همه تنگ و تاریک و ... است (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳).
کوچه زیبا و آباد	[کاشان] کوچه‌ها غالباً زیبا و آبادند ... (کارری، ۱۳۴۸: ۵۸).

مهمترین دلیل بی‌نظمی معابر و درنتیجه، بی‌نظمی شهرها را می‌توان قصور حکومت در انجام وظایف خود دانست. در گذشته، هیچ نظارتی برافزایش جمعیت شهرها از طریق مهاجرت وجود نداشته است؛ بنابراین افزایش جمعیت، سبب گسترش بی‌رویه شهرها و ساخت و سازهای بی‌نظم بوده است. افزایش جمعیت به حدی بوده است که اغلب جهانگردان از شلوغی شهرها به تنگ آمده بودند. *الناریوس* می‌نویسد: «در زمان شاه عباس بزرگ، به سبب ساختن منازل بسیار، بیشتر کوچه‌ها و خیابان‌ها چنان تنگ شد که مخصوصاً نزدیکی‌های میدان و بازار که رفت‌وآمد زیاد است، عابران بهزحمت می‌توانند از کنار یکدیگر بگذرند». (الناریوس، ۱۳۶۳: ۲۳۸). شاردن هم از این وضعیت، لب به گلایه گشوده است: «چیزی که موجب ناراحتی است، آن است که اکثر این بازارها تنگ بوده و جمعیت انبوهی در آن‌ها در رفت‌وآمدند». (شاردن، ۱۳۳۰: ۸).

**ب. نظافت:** مهمترین مواردی که درباره نظافت و پاکیزگی کوچه‌ها و معابر، مورد نقد سفرنامه‌نویسان قرار گرفته در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. توصیف کوچه‌ها و معابر ایران از منظر نظافت، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.

گزاره‌های استخراج شده	متن قرائت شده
گردوخاک	[شیراز] پس از ... گذشتن از کوچه‌های ... پر گردوخاک به میدانی ... رسیدیم (فیگوره، ۱۳۱: ۱۳۱)
کثافت، زباله، لاشه حیوانات، بوی گند و تعفن، امکان ابتلاء به بیماری	این کوچه‌ها [اصفهان] اغلب پر از کثافت و زباله و حیوانات مرده‌ای است که بدان جا می‌اندازند و باعث بوی گند و تعفنی بزرگ می‌شود و ... ممکن است طاعون ایجاد کند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۴).
گردوخاک، گل‌ولای	[اصفهان] زیرا در تابستان گردوخاکی که اندک بادی آن را از این کوچه به آن کوچه می‌برد در چشم فرو می‌رود ... این گردوخاک کوچه‌ها که در تابستان سبب ناراحتی است در زمستان به گل‌ولای تبدیل می‌شود که به هنگام پاریدن باران یا آب شدن برف تا وسط ساق پا می‌رسد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵).
فضولات انسانی	... گهگاه در کوچه‌ها گودال‌های کوچکی در پای دیوارها دیده می‌شود که ایرانیان بدون هیچ شرمی برای ادرار کردن در حضور همه، کنار آن گودال‌ها سرپا می‌نشینند ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵).
خون، فضولات، لاشه حیوانات	آنچه باز به کثافت کوچه‌های اصفهان می‌افزاید این است که قصابان خون و فضولات حیوانات کشته را در آن جا می‌کنند و همه این کثافت‌ها در آن جا می‌ماند ... اگر اسب و شتری یا قاطر و خری سقط شود آن‌ها را در کوچه می‌اندازند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵).
گردوخاک	... گذرگاه‌های شهر [قرونی] ... هنگام وزش باد حتی به آرامی، شهر را گردوغبار فرا می‌گیرد (الناریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴).
کثافت، گردوخاک	ولی کوچه‌ها ... سرگین و کثافت و گردوغبار به اندازه کوچه‌های شهرهای ممالک اروپایی ندارد (شاردن، ۱۳۳۰: ۴).
فضولات انسانی	کوچه‌های اصفهان ... فضولات مستراحها در گودال‌هایی که زیر دیوار منازل است وارد می‌شود... معذلك کوچه‌های شهر به آن اندازه که تصور می‌شود کثیف نیست (شاردن، ۱۳۳۰: ۵).
گردوخاک	[اصفهان] ... چون برف و باران در این دیار کم است هرگاه خیابان را مرتب آب‌پاشی نکنند گردوغبار زیاد است و این امری است که اصفهانی‌ها آن را خیلی عادی تلقی می‌کنند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۱).
زباله، کثافت، لاشه حیوانات، فضولات انسانی	این خاکروبه و کثافت‌شهر با ناتمیزی‌های بی‌شمار دیگر می‌آمیزند و وضع غیرقابل تصویری ایجاد می‌کنند. لاشه حیوانات سقط شده را بدون مانع و پروا به وسط کوچه و بازار می‌اندازند و خون حیوانات را در سر هر کوی و بزرن می‌ریزند. باورنکردنی این که اشخاص ممیز و بالغ، هرجا که دل‌شان بخواهد برای رفع حاجت می‌نشینند (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).
کثافت، گردوخاک، گل‌ولای	کوچه‌های اصفهان، همه تنگ و تاریک و ناتمیز و اغلب ... غرق در کثافت است. تابستان اصفهان به علت وجود گردوغبار و باد دائمی، بسیار نامطبوع است. در زمستان هم گل و کثافت کوچه‌ها به آخرین حد می‌رسد و زندگی را دشوار می‌سازد (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳).

بدیهی است که عدم نظارت حکومت، علاوه بر نازیبایی سیمای شهرها و بی‌نظمی کالبدی معابر، به کثیفی شهرها نیز منجر می‌شده است؛ اما در موضوع عدم رعایت بهداشت، سهم شهروندان بسیار بیش از حکومت است. اغلب یافته‌های تحقیق در این موضوع نشان می‌دهند که تأثیری که شهروندان بر کثیفی معابر داشته‌اند غیرقابل توجیه است و حکومت

اگرچه برای هر صنفی، محتسب و ناظر بر سر کار می‌گمارده اما نمی‌توانسته است از پس نظارت بر همه شهروندان برآید

**۲-۵. بناها و عمارت‌ها:** در میان توصیف‌های پرشمار از شکوه و عظمت و زیبایی‌های معماری ایران که در اغلب سفرنامه‌ها به چشم می‌آیند، برخی از سفرنامه‌نویسان از منظری دیگر نیز به عمارت‌ها و بناهای ایران توجه داشته‌اند. مهم‌ترین نقدی که در این زمینه به معماری ایران وارد شده، مخروبه و ویرانه بودن بناها بوده است. تعداد بناهای خراب و نیمه‌خراب به حدی بوده که توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است. (جدول ۶)

جدول ۶. توصیف خرابی بناها و عمارت‌های ایران، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.

گزاره‌های استخراج شده	متن قرائت شده
شهر خراب و ویران	تبیز شهری بزرگ است که ... به طوری که قبلًا هم گفته شد سراسر از سنگ و آجر ساخته شده است اما قسمت‌هایی از آن خراب و ویران است (فن در یابل، ۱۳۵۲: ۵۴).
عدم نگهداری	مسجدی که امروز فاقد این‌گونه تزیینات هستند در گذشته چنین نبوده‌اند و به سبب عدم دقت ایرانی‌ها در نگاهداری این‌گونه آثار، در طول زمان دستخوش خرابی شده‌اند (فیگوئرو، ۱۳۶۳: ۲۱۴).
خانه‌های نیمه‌خراب	... ورود به شهر [اصفهان] را آغاز کردیم و از کوچه‌هایی تنگ که در اطراف آن‌ها خانه‌هایی نیمه‌خراب و بدساخت‌تر از خانه‌های شیراز وجود داشت گذشتیم (فیگوئرو، ۱۳۶۳: ۳۶۳). ۲۰۹
شهر نیمه‌خراب، مساجد و خانه‌های در شرف خرابی	شهر اصفهان از جهت زمان تأسیس بسیار قدیمی‌تر و بزرگ‌تر از شیراز است اما در زیبایی به پای آن نمی‌رسد و نیمه‌خراب است ... در این شهر مساجد بسیار هست اما هیچ‌یک از آن‌ها از لحاظ زیبایی، ممتاز نیست بلکه برعکس، همه این مساجد نظری خانه‌های شخصی در شرف خرابی و انهدام‌اند (فیگوئرو، ۱۳۶۳: ۲۱۱).
مسجد در شرف ویرانی	این مسجد [مسجد ساخته امامقلی خان در اصفهان] از بیرون نسبتاً زیباً می‌نماید ولی در درون شروع به ویرانی کرده است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۵).
عمارت نیمه‌خراب	دو طرف خیابان [در شیراز] دیوار داشته که امروز در بیشتر موضع، خراب شده است. خیابان به باعی منتهی می‌شود که آن را باغ شاه می‌نامند. بروی سردر این باغ، تالار نیمه‌ویرانی هست و در انتهای خیابان بزرگ ... عمارت نسبتاً زیبایی قرار دارد که در نگهداری اش غفلت شده است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۶).
مسجد در شرف ویرانی	در شیراز مسجدی قدیمی هست که مقبره سعدی در آن جاست ... این مسجد در گذشته بسیار زیبا بوده ... ولی همه این‌ها مانند بسیاری از ساختمان‌های دیگر شهر، رو به ویرانی است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۸).
مسجد ویران	کاخ ساروققی که یکی از زیباترین کاخ‌های ایران بود، پس از مرگ وی، به حال ویرانی افتاد ... (شاردن، ۱۳۳۰: ۲۰).
کاخ ویران	امروز این کاخ [کاخ سلطنتی سابق اصفهان] چندان ویران است که خرابهای آن نیز به چشم نمی‌آید (شاردن، ۹۸: ۱۳۳۰).
عمارت در شرف ویرانی	در جوار این مسجد [تبریز] یک بنای دیگری نیز هست که معاصر و از حیث معماری، شبیه به همین مسجد است و فعلاً رو به خرابی می‌رود (کارری، ۱۳۴۸: ۲۳).

## مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی  
مدیریت شهری و روستایی  
شماره ۷۳. زمستان ۱۴۰۲

Urban management  
No. 73 Winter 2024

از نظر جهانگردان، مخروبه بودن بناها دلایل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین آن، سنت ایرانیان باشد. تاورنیه در این باره می‌نویسد: «ایرانیان ... بیشتر دوست دارند که ساختمانی جدید بسازند نه این که عمارت کهنه‌ای را بازسازی کنند. از این‌جهت، با مضایقه از مختصر تعمیر، می‌گذارند تا عمارت خراب شود.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۹). شاردن نیز به این موضوع اشاره کرده است: «ایرانیان همین قدر که ثروتی به دست آورده‌اند سعی می‌کنند خانه مجللی بنا کرده و از ثروت خود بهره‌مند شوند ... ایرانیان سکونت در خانه‌ای را که پدرشان در آن فوت کرده است ... باشگون نمی‌دانند ... و هر کس به بهانه این‌که خانه پدری یا بزرگ است و مناسب با زندگی او نیست و یا کوچک است و رفع حوائج او را نمی‌کند، خانه جدیدی ... می‌سازد.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۸ و ۹).

بهره‌گیری ایرانیان از مصالح بومی نیز یکی دیگر از دلایل عمر کم ساختمان‌ها بوده است. تاورنیه چندین بار به این موضوع اشاره داشته است: «حصارهای اصفهان از خشت خام ... است ... چون حصارها از خشت است در چندین محل قسمت‌های بزرگی از آن فرو ریخته ... است. ده باب دروازه دارد که آن‌ها هم از خشت و گل بدون استحکامات دفاعی

صندوقی ندارند و ما ببروی قالی‌ها نشستیم. من نمی‌توانستم به طرز آن‌ها دوزانو بنشینیم، چهارزادو نشستم. آن‌وقت سفیر عثمانی به پادشاه گفت که رسم انگلیس‌ها بر این است که ببروی صندلی می‌نشینند.» (شرلی، ۱۳۸۷: ۶۳).

تاورنیه نیز به این موضوع اشاره کرده و از نبود تختخواب گلایه داشته است: «ایرانیان مانند همه شرقیان دیگر، اطلاعی از تختخواب‌های بلندتر از کف زمین ندارند. وقتی که می‌خواهند بخوابند روی کف اتاق که پوشیده از قالی است یک تشك یا لحاف ... می‌گسترنند ...» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸). کمپفر نیز در مقایسه با وسایل خانه در غرب، بر این موضوع تأکید کرده است که: «در خانه‌های ایران، بی‌جهت به دنبال میز، صندلی، نیمکت و سایر لوازم خانه مختص اتاق، مטבח و اصطبل که در مغرب‌زمین رواج دارد، نباید گشت.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

از دیگر موضوعاتی که مورد نقد جهانگردان واقع شده است می‌توان به هزینه‌های ساخت‌وساز و تعمیرات اشاره کرد. شاردن هزینه تعمیر و نگهداری را آن‌قدر زیاد می‌داند که معتقد است شاه (عباس دوم) نیز از عهده تأمین این هزینه‌ها برای کاخ‌های خود برنمی‌آید: «هزینه نگهداری این عمارت [کاخ‌ها] برای شاه بیشتر از سود آن است زیرا ... بیشتر اوقات سال، خالی از سکنه است و متدرج رو به خرابی می‌رود.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۶۴). کارری نیز با اشاره به دستمزدها، ساخت‌وساز و بنایی کردن را امری گران برشمرده است: «دستمزد بنا روزانه چهل شاهی و دستمزد کارگر روزانه بیست شاهی است و بدینجهت برای یک کار کوچک بنایی، باید متحمل هزینه بالنسبه زیادی شد.» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).

موضوع دیگری که مورد نقد واقع شده، نازیبایی نقاشی‌های بنها است. دلاواله اگرچه بسیار شیفته نقش‌ونگار موجود در بنها ایران شده است و حتی اذاعن دارد که ایتالیایی‌ها باید در این زمینه از ایرانیان بیاموزند (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۵) اما بلافصله و محظاطانه لب به انتقاد می‌گشاید و به ضعف هنر نقاشی ایرانیان اشاره می‌کند: «این نقاشی‌ها با وجود رنگ‌های طریف، بسیار ناشیانه ترسیم شده و مانند این است که به دست اشخاص بی‌اطلاع از هنر به وجود آمداند ...» (همان: ۴۶).

## ۶. تحلیل و تفسیر

۶-۱. تحلیل سفرنامه‌ها: برای تفسیر دقیق از یافته‌های مرتبط با پرسش تحقیق و اعتبارسنجی گزاره‌های سفرنامه‌نویسان، ابتدا باید تحلیل درستی از سفرنامه‌ها و مطالب مندرج در آن‌ها به دست داد تا در داوری گزاره‌ها راه به خطاب نپیمود. از منظر محتوا، ۱۱ عنوان سفرنامه‌ای که در آن‌ها به نقد معماری و شهرسازی ایران پرداخته شده

است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۱). وی در جای دیگری نیز این موضوع را یادآوری می‌کند: «قلعه اصفهان که بنای چندان قابل توجهی نیست ... تماماً از گل و خشت است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸).

جالب آن که تاورنیه حتی از عمارت میدان شاه نیز انتقاد می‌کند و صراحتاً خشت خام را عامل خرابی بنا بر می‌شمارد: «میدان شاه [اصفهان] فضایی بزرگ است ... چهار طرفش ساخته شده است ... دور تادر دارای غرفه‌ها ... روی غرفه‌ها، ایوان‌هایی است که ... رو به ویرانی است زیرا از خشت خام ساخته شده است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۹). وی حصار شیراز را نیز چنین توصیف کرده است: «[شیراز] سابق بر این حصاری خشتی داشته اما تقریباً فرو ریخته و توجهی به بازسازی آن نشده است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۴).

شاردن در توصیف حصار شهر اصفهان چنین می‌گوید که: «طول باروها و دیوارهای شهر اصفهان بیست هزار پا و از گل ساخته شده است.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۴). کارری نیز به همین امر اشاره کرده است: «استحکامات این شهر مهم [اصفهان] عبارت است از یک حصار گلی و ...» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳). البته کارری وضعیت خانه‌ها را نیز همچون حصار شهر ذکر کرده است: «همه خانه‌ها گلی هستند و فقط تعدادی آجر در آن‌ها به کار رفته است. این خانه‌ها که در اثر باران زود شکاف بر می‌دارند، به وسیله مشتی خاک و گچ تعمیر می‌شوند.» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).

سفرنامه‌نویسان در برخی موارد به اعتقدات دینی و مذهبی نیز اشاره کرده و بعضی از خرابی‌ها را به مذهب نسبت داده‌اند. شاردن به وضعیت نامناسب عبادتگاه‌های یهودیان اشاره می‌کند: «یهودیان اصفهان سه کنیسه دارند که آن‌ها را نمی‌توان کنیسه نامید بلکه نماز خانه‌ای بیش نیستند.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۸۱). کارری اما بنا به اغراض سیاسی خود، به اختلاف میان شیعه و سنتی اشاره می‌کند: «کف این مسجد عالی را که این‌همه وسایل و لوازم قیمتی در بنای آن صرف شده است، یکپارچه حصیر مندرس پوسیده مفروش می‌کند، چه مسلمان‌های ایران به این مسجد که توسط اهل سنت بنا شده است، به نظر حقارت می‌نگرند.» (کارری، ۱۳۴۸: ۲۳). وی در ادامه به مسجد دیگری در تبریز اشاره می‌کند که: «این مسجد [مسجد عثمانلو] که یکی از زیباترین مساجد تبریز است، بدختانه به بهانه این که از طرف یک نفر سنتی ... بنا شده مورد تحریر و بی‌علاوه شیعیان است و به همین جهت، این شاهکار صنعت و بنای تاریخی، رو به خرابی می‌رود.» (کارری، ۱۳۴۸: ۲۸).

۶-۵. سایر موارد: از موارد دیگری که مورد نقد سفرنامه‌نویسان بوده است می‌توان به وسایل خانه اشاره کرد. رایت شرلی چنین نوشته است که: «در اینجا [ایران]

جدول ۷. دسته‌بندی یافته‌ها بر اساس عبارات عینی و ذهنی.

موضوع	عبارات عینی	عبارات ذهنی
سیمای شهری	کوچه‌های نازیبا، خانه‌های بدقواره، خانه‌های نازیبا، شهر نازیبا، شهر بدنما، پنجره‌های تنگ، کرکره‌های بدساخت، دیوارهای زشت، دروازه‌های کوچک و بدربیخت، کوچه زیبا و آباد	شهر حقیر و بی‌مقدار، شهر شبیه به دهکده، عدم دید به اندرون خانه از پشت شیشه، ترس و حسادت مردان ایرانی درباره اذان گفتن مؤذن بر بلندای مناره‌ها
نظم کوچه‌ها	کوچه پیچ درپیچ، کوچه مارپیچ، کوچه تنگ، کوچه کج و معوج، کوچه ناصاف، کوچه نامساوی، کوچه تاریک، کوچه بدون سنگفرش، کوچه مسقف، کوچه گود	افزایش جمعیت و عدم نظارت حکومت بر ساختوساز و توسعه شهرها
نظافت کوچه‌ها	گردخاک، گلولای کثافت، زباله، لاشه حیوانات، خون، فضولات حیوانی، فضولات انسانی، بوی گند و تعفن	امکان ابتلای به بیماری
بناهای و عمارت‌ها	خانه‌های نیمه‌خراب، خانه در شرف خرابی، عمارت در شرف ویرانی، مسجد در شرف خرابی، مسجد در شرف ویرانی، عمارت نیمه‌خراب، مسجد ویران، کاخ ویران، شهر نیمه‌خراب، شهر خراب و ویران	عدم دقت ایرانی‌ها در نگاهداری بناهای سنت ایرانیان در ساخت بنای جدید به جای تعمیر و بازسازی، بهره‌گیری ایرانیان از خشت خام به عنوان مصالح اصلی ساختمان‌سازی، نقش تعصبات مذهبی ایرانیان در تخریب بناهای
سایر موارد	نیز و سایل خانه همچون صندلی، تختخواب، میز و ... برخلاف کشورهای غربی	هزینه‌های زیاد برای بازسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان، ضعف ایرانی‌ها در هنر نقاشی دیواری

است را می‌توان در سه دسته قرار داد. بدیهی است اعتبار نقدتها نیز بر اساس محتوای سفرنامه‌ها قابل ارزیابی هستند.

الف. سفرنامه‌های با محتوای سیاسی: دسته نخست، سفرنامه‌هایی هستند که بنا به شغل و مأموریت نویسنده، محتوای سیاسی دارند و بنابراین گزاره‌های این سفرنامه‌ها که در جهت اهداف و اغراض سیاسی دولت متابع شان نگاشته شده‌اند، باید با دقت بیشتری تفسیر شوند. سفرنامه‌های برادران شرلی، پیترو دلاواله، کاتف، فیگورئوا و ایترپرسیکوم از این جمله، به شمار می‌آیند.

ب. سفرنامه‌های با محتوای اجتماعی و فرهنگی: این قبیل سفرنامه‌ها که نویسنده‌گان شان بازرگان، جهانگرد یا نویسنده بوده‌اند، غالباً به مسائل اجتماعی و فرهنگی بیش از موضوعات سیاسی و حکومتی پرداخته و سعی در ارائه تصویری از شیوه زندگی ایرانیان داشته‌اند. سفرنامه‌های آدام الثاریوس، تاورنیه، سانسون و کارری از این جمله‌اند. در این سفرنامه‌ها اگرچه مشاهدات عینی نویسنده‌گان در باب بنها و شهرها قابل تأمل‌اند اما گزاره‌های ذهنی ایشان قادر اعتبار لازم است.

پ. سفرنامه‌های جامع: این دسته از سفرنامه‌ها به علت حضور طولانی‌مدت نویسنده در ایران و اشراف وی بر سیاست، جامعه و فرهنگ، به تمامی شؤون زندگی ایرانیان توجه داشته‌اند. در نمونه‌های مورد مطالعه، سیاحت‌نامه شاردن و سفرنامه کمپفر از آن جمله‌اند. لازم به توضیح است که با وجود اقامت طولانی در ایران و تکلم به زبان فارسی، شاردن و کمپفر هم در تحلیل بسیاری از موارد دچار اشتباه شده‌اند.

به طور خلاصه، در تفسیر یافته‌های تحقیق علاوه بر هدف سفر و مأموریت نویسنده، باید به مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک اعتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه نیز توجه داشت.

۶-۲. تفسیر یافته‌ها: به طور کلی، متن سفرنامه‌ها و گزاره‌های استخراج شده از آن‌ها را می‌توان در دو دسته عبارات عینی و عبارات ذهنی قرار داد. آنجه سفرنامه‌نویس به چشم دیده و به رشتۀ تحریر درآورده است را باید عبارت عینی دانست، همچون بی‌نظمی و کثیفی کوچه‌ها؛ زیرا نویسنده بدون واسطه به درک از پدیده رسیده است؛ اما آنجا که نویسنده برای درک و توصیف یک پدیده، نیازمند تفکر، مطالعه، گفتگو و ... بوده و اطلاعات باواسطه به وی می‌رسیده، لاجرم آنچه نگاشته، عبارت ذهنی بوده است نظیر آنچه درباره حسود بودن مردان مسلمان یا بی‌توجهی به مسجد اهل تسنن و ... نگاشته شده است. بر این اساس، عبارات عینی و ذهنی سفرنامه‌های مورد مطالعه به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند.

## نتیجه‌گیری

- نتایج تحقیق در قیاس با نتایج اغلب پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهند که به دلیل اینکه جهانگردان عموماً شیفتۀ عماری ایران شده و بیش از آن که معماری و شهرسازی ایران را نقد کنند، زیبایی شهرها و عظمت و شکوه معماری ایران را توصیف کرده‌اند لذا پژوهشگران نیز عموماً هر یک، از منظری به بررسی و تحلیل همان توصیفات پرداخته و کمتر به نقد جهانگردان از شهرها و بناهای ایران توجه داشته‌اند.
- در پاسخ به بخش نخست پرسش تحقیق که ناظر بر انتقادهای جهانگردان بر شهرها و بناهای ایران است، پژوهش حاضر با مطالعه ۲۵ عنوان سفرنامه از سده‌های دهم تا دوازدهم هجری به گزاره‌هایی با ماهیت انتقادی درخصوص شهرها و بناهای ایران دست یافت. این گزاره‌ها در دو دسته کلی، معطوف به شهرها و بناهای ایران دسته‌بندی شده و مواردی همچون سیمای شهر، نظم کوچه‌ها، پاکیزگی معابر، مخربه بودن بناهای، عدم توجه به تعمیر و نگهداری، دیگر را در بر می‌گیرند.
- در پاسخ به بخش دوم پرسش تحقیق که ناظر بر اعتبار گزاره‌ها است، یافته‌های تحقیق در دو دسته عمده دسته‌بندی شده‌اند. نخست، عبارات عینی که حاصل درک و دریافت ب بواسطه نویسنده از پدیده‌ها هستند؛ و دسته دوم، گزاره‌های ذهنی که بر اثر شناخت باوسطه پدیده‌ها حاصل شده‌اند. عبارات عینی، فارغ از ملیت یا هدف جهانگرد، به دفعات تکرار شده‌اند و از نظر اعتبار، گزاره‌هایی قابل اعتبار تلقی توانند شد؛ اما از آنجا که عبارات ذهنی به شنیده‌ها، باورها، تفسیرها و تحلیل‌های نویسنده اتکا دارند لذا در بررسی اعتبار علمی آن‌ها باید ملاحظاتی همچون هدف سفر و مأموریت نویسنده، مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک اعتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه را نیز در نظر گرفت.
- در مجموع باید چنین گفت که اگرچه پژوهشگران با کمبود متابع مکتوب در باب معماری و شهرسازی ایران مواجه‌اند و اگرچه سفرنامه‌ها متابعی غنی از داده‌ها درباره ایران و ایرانیان هستند اما ضرورت دارد هم شخصیت و مأموریت سفرنامه‌نویسان و هم محتوای سفرنامه‌های شان با تأمل و تفکر به کار گرفته شوند تا اعتبار علمی تحقیقات، زیر سؤال نرود.
- نتایج تحقیق در قیاس با نتایج اغلب پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهند که به دلیل اینکه جهانگردان عموماً شیفتۀ عماری ایران شده و بیش از آن که معماری و شهرسازی ایران را نقد کنند، زیبایی شهرها و عظمت و شکوه معماری ایران را توصیف کرده‌اند لذا پژوهشگران نیز عموماً هر یک، از منظری به بررسی و تحلیل همان توصیفات پرداخته و کمتر به نقد جهانگردان از شهرها و بناهای ایران توجه داشته‌اند.
- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای
- ای بی زاده، سامان؛ پیربایانی، محمدتقی و نژاد ابراهیمی، احمد (۱۳۹۸)، بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولتاریوس، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، سال ۲۴، ش ۴، ۷۱-۸۲.
- اعطا، علی؛ اعتضاد، ابرج و شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۹)، جستاری روایت پژوهانه پیرامون باع ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها (نمونه موردي باع‌های تهران در دوره قاجار)، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال ۱۲، ش ۱، ۲۸۰-۲۴۷.
- الثاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه آدام الثاریوس (بخش ایران)، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- امامی کوپائی، سمانه (۱۴۰۲)، پژوهشی در باب زیبایی معماری عصر صفوی از نگاه جهانگردان؛ نمونه پژوهی پنج بنای شاخص اصفهان عصر صفوی، تاریخ، سال ۱۸، ش ۶۸، ۱۵۶-۱۳۰.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ثوابت، جهانبخش؛ هادی، مقصومه و مشکانی، لیلا (۱۳۹۷)، ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی (۱۲۷۵-۱۲۲۷)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۹، ش ۳۲، ۱۴۸-۱۲۳.
- حسینی زاده مهرجردی، سیده سعیده (۱۳۹۷)، بازخوانی عناصر هویت‌بخش معماری و شهرسازی یزد در سفرنامه ابراهیم جکسون، مطالعات ملی، سال ۱۹، ش ۱، ۱۳۰-۱۱۱.
- حقیر، سعید و صلوانی، کامیار (۱۳۹۹)، تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رایطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوره قاجار، باع نظر، سال ۱۷، ش ۵-۱۴، ۸۳.
- خلخالی، سید محی الدین و کلهر، محمد (۱۴۰۱)، بازشناسی روح معماری ایرانی بر اساس گونه شناسی رفتاری ایرانیان عصر ناصری از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی، مطالعات هنر اسلامی، سال ۱۹، ش ۴۷، ۱۷۳-۱۶۳.
- دلاواله، پیترو (۱۳۴۸)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شاعر الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سانسون، نیکلا (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون؛ وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی؛ و تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران، ترجمه تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- شاردن، ژان (۱۳۳۰)، سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان)، ترجمه حسین عربی‌پی، تهران: چاپخانه راه نجات.
- شراї، آتنوی (۱۳۸۷)، سفرنامه برادران شرای، ترجمه هوانس ماسی‌یان، به کوشش علی دهباشی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نگاه.
- عسگری، نسیم؛ ناسخیان، شهریار و ایزدی، محمدسعید (۱۳۹۸)، خوانش ساختار معنایی و کالبدی حیرم اماکن مقدس با استناد بر سفرنامه‌های قرون پنجم تا چهاردهم هجری قمری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۱۰، ش ۳۸، ۳۶-۲۱.
- عین‌القضات همدانی (بی‌تا)، تمهیدات، با مقدمه و تصحیح و تحریشیه و تعلیق عفیف عسیران، بی‌جا: بی‌نا.

- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۱)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارسیان، محمد رضا و قاسمی آریان، فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمائی، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش. ۳۳، ۹۵-۸۱.
- فن در بابل، ژرژ تکتاندر (۱۳۵۲)، ایتر پرسیکوم؛ گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول، ترجمه محمود تقاضی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین.
- فیگوئروآ، گارسیا د سیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوئروآ؛ سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کافتف، فدت آفاناس یویچ (۲۵۳۶)، سفرنامه فدت آفاناس یویچ کافتف، ترجمه محمد صادق همایونفرد، ویرایش عبدالعلی سیاوشی، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیلی پور، مهدی و نژاد ابراهیمی، احد (۱۴۰۲)، بازناسی عناصر سیمای شهر تقلیس بر اساس توصیف سیاحان در دوران قاجار، توسعه پایدار شهری، سال ۴، ش. ۱۲-۶۷-۴۹.
- ورقانی، حسنا (۱۴۰۱)، جستجوی مفهوم خانه ایرانی با تکیه بر انبساط توصیفات تاریخی و ساختار کالبدی؛ مطالعه خانه‌های یزد و اصفهان، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال ۷، ش. ۱-۱۹۱-۱۷۳.
- ونگ، دیوید (۱۳۸۳)، تحقیق تفسیری- تاریخی در معماری، ترجمه مهرداد قیومی، صفحه، سال ۱۴، ش. ۳۹-۱۰۱-۶۷.

- Fisher, Alec (2011), Critical Thinking: An Introduction, Oxford University Press.
- Paul, Richard and Elder, Linda (2022), Critical Thinking: Tools for Taking Charge of Your Professional and Personal Life, 4<sup>th</sup> Edition, The Foundation for Critical Thinking.